فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۹۷-۳۸۵
New Period 4, No 32, 2021, P 385-397
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

اعتراضات به دعاوی چک در رویه دادگاه‌ها

ندا سهرابی
کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد ابر کوه یزد، ایران
nedasohrabi9899@gmail.com

چکیده
چک به عنوان یکی از شاخصترین اسناد تجاری، وسیله ای است که اگر بطور صحیح مورا استفاده قرار گیرد، ثمرات آن در شکوفایی تجارت و اقتصاد کشور غیر قابل انکار خواهد بود. بالعکس، بکارگیری چنین سندی در جهت خلاف اهدافی که برای آن در نظر گرفته شده است و از طرفی عدم کنترل قانونی، موجب سلب اعتماد عمومی و خصوصا تجار میگردد دعاوی اعتراض در خصوص چک را می‌توان به دعوای اصلی و دعوای طاری تقسیم نمود که طرح ایراد و طرح دعوا می تواند شامل ابطال چک به سبب فقدان شرایط، طرح دعوای استرداد لاشه چک و طرق اعتراض به آراء صادره از سوی دادگاه دانست. در این پژوهش دعاوی و اعتراضات راجع به اجرائیه مدلول چک اعم از درخواست ابطال، عدول و اصلاح اجرائیه از مراجع صادره کننده و طرح دعوی ابطال اجرائیه مورد بررسی قرار گرفته است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مقدمه:

طرح دعوی حقوقی علیه متعهد، با وجود مادۀ ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۶ تیر ماه ۱۳۵۵ که چک را در حکم سند لازم الاجراء می داند و با توجه به طی دادرسی، کاری پرزحمت و مستلزم صرف زمانی بیشتری خواهد بود. ولی اگر صادر کننده چک ملائت نداشته باشد، اصلح است که علیه ظهرنویسان چک و ضامن (اگرباشد) در دادگاه حقوقی با استعانت از ماده ۳۱۴ ناظر بر مواد ۲۹۲ و ۲۸۶ و ۲۴۹ قانون تجارت طرح دعوی کرده و ضمن تقاضای صدور قرار تأمین خواسته محکومیت آنان را به نحو تضامنی نمود.

در اینجا این سوال مطرح می شود که آیا ضمن تقدیم دادخواست حقوقی علیه امضاء کنندگان چک بدون محل می توان بر اساس مادۀ ۲۹۲ قانون تجارت و بدون تأدیه خسارت احتمالی از دادگاه تقاضای صدور قرار تأمین خواسته (معادل بهای خواسته) از اموال و دارایی خواندگان نمود یا خیر؟ برابر مادۀ ۱۰۸ آیین دادرسی مدنی اصل بر پرداخت خسارت احتمالی توسط متقاضی قرار تأمین و با نظر دادگاه است، مگر در موارد استثنایی که دادگاه مکلف به صدور قرار تأمین می‌باشد؛ از جمله دعاوی راجع به برات به شرح مادۀ ۲۹۲ قانون تجارت که می گوید: «پس از اقامه دعوی، محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است، معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه به عنوان تأمین توقیف نماید». و مادۀ ۳۰۹ درباب سفته تمام مقررات راجع به بروات تجارتی از مبحث چهارم الی آخر فصل اول باب مزبور از جمله مادۀ ۲۹۲ قانون تجارت را در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه دانسته است.

ملاحظه می‌شود در دو مورد فوق در صورتی که خواهان ضمن دادخواست خود تقاضای صدور قرار تأمین خواسته فوری بنماید، دادگاه بدون مطالبه خسارت احتمالی از خواهان، مکلف به صدور قرار مزبور می‌باشد. اما در خصوص چک بدون محل، بعضی از شعب دادگاه‌های حقوقی معتقدند که صدور قرار تأمین خواسته منوط به ایداع خسارت احتمالی از طرف خواهان می‌باشد و استدلال می نمایند که در ماده ۳۱۴ ق. ت. صراحتی برای صدور قرار تأمین خواسته بر طبق مادۀ ۲۹۲ قانون مزبور وجود ندارد. ولی چنین استدلالی صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا مفاد مادۀ ۳۱۴ ق. ت. می گوید: «. . مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی و ضمان و مفقود شدن، راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود»، قانونگذار نحوه اعتراض و اقامه دعوی در مورد چک را همانند بروات دانسته است، با توجه به اینکه طبق آراء اصراری ۶۲۴- ۱۳۴۵/۴/۱۰ و ۱۶۵۴- ۱۳۴۵/۵/۱۰ و وحدت رویه ۱۳۶۹/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، گواهی نامه عدم پرداخت بانک، ملاک تحقق اعتراض عدم تأدیه است و از نظر انشاء مادۀ، قید کلمات «نحوه اعتراض و اقامه دعوی» به طور اعم و بدون تخصیص شرط و قید مخصوص حاکی از این است که خواهان بتواند بر اساس ماده ۳۱۴ ناظر به ماده ۲۹۲ ق. ت. پس از اقامه دعوی، تقاضای صدور قرار تأمین خواسته نموده و دادگاه نیز بدون تودیع خسارت احتمالی مبادرت به صدور قرار مزبور می نماید و چنین تفسیری برای تقویت اعتبار چک که نقش اقتصادی مهمی را در کشور ایفاء می کند، ضروری به نظر می‌رسد و کنوانسیون ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو در مورد قوانین متحدالشکل چک

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

نیز با همین طرز تفکر تهیه و تنظیم گردیده است. به موجب ماده ۱۹ قانون اصلاحی صدور چک اگر چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی (شرکتها و مؤسسات) صادر شود، دارنده چک می‌تواند علیه صادر کننده و صاحب حساب اقامه دعوی حقوقی نموده و محکومیت آنها را به نحو تضامن از دادگاه تقاضا کند. ضمنا دارنده حق دارد مبادرت به صدور اجرائیه بر اساس تضامن علیه صادر کننده و صاحب حساب بنماید. البته مسئولیت کیفری فقط متوجه صادر کننده چک میباشد مگر این که ثابت کند که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در این صورت کسی که موجبات عدم پرداخت را فراهم ساخته از نظر کیفری مسئول می‌باشد.

مبحث نخست: مصادیق دعوی و اعتراض راجع به چک

گفتار نخست: طرح دعوی مستقل و طاری

مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در جهت تضمین و حفظ حقوق افراد جامعه وضع گردیده اند؛ به نحوی که بدون وجود این مقرارت اثبات حق و اعاده آن امکان پذیر نمی‌باشد. براین اساس قانون گذار به صاحب حق این اختیار را داده تا در مواردی که حقوق آن‌ها مورد تجاوز یا تعدی قرار گرفته است به مراجع قضایی مراجعه نموده و با اقامه دعوی اسباب اعاده حقوق خویش را فراهم نماید. البته این حق مراجعه به مراجع قضایی جهت احقاق حق زمانی ایجاد می‌شود که اولا، حقی به صورت واقعی یا حسب ادعا وجود داشته باشد و ثانیۀ، این حق مورد تجاوز یا انکار واقع شده باشد و تنها در این صورت است که مدعی می‌تواند با تقدیم دادخواست، اقامه دعوی نماید. تقدیم دادخواست دادگاه را مکلف می‌نماید تا به موضوع دعوی با توجه به ادله و دفاعیات ارائه شده و با لحاظ ماده ۱۶۹ ق. آ. د. م که وی را مجاز می‌نماید در جهت کشف حقیقت اقدامات لازم را انجام دهد، به موضوع دعوی رسیدگی نموده و با صدور حکم فصل خصومت نماید و نمی‌تواند به بهانه های مختلف از رسیدگی به دعوی خودداری نموده و یا اسباب اطاله دادرسی فراهم آورد. این تکلیف دادگاه که به منظور تسریع در رسیدگی برای صدور حکم و نهایتا فصل خصومت مقرر گردیده است جزء قواعد آمره مربوط به نظم دادگستری می‌باشد به همین منظور قانون گذار برای تخلف از این تکلیف ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته است (ماده ۵۹۷ ق. م.).

طواری جمع طاری و طاریه به معنی حادثه و اتفاق می باشد. به این ترتیب طواری دادرسی، حوادثی هستند که در جریان دادرسی رخ می‌دهد و آن را تحت تأثیر خود قرار داده و بعضا از سیر طبیعی خود خارج می‌کند. پیداست که باید در مقررات مربوط به آیین دادرسی به این واقعیت توجه شود و پیش بینی‌های لازم برای احقاق حقوق همه اطرافی که ممکن است در موضوع یا در دعوای واحد، مدعی حقی باشند به عمل آید. و برخی از این طواری مربوط به تدابیر احتیاطی است که قانون گذار جهت حفظ حقوق احتمالی اصحاب دعوی و جلوگیری از تضییع آن مقرر نموده است؛ نظیر تأمین دلیل، تأمین خواسته و دستور موقت،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

برخی طواری دادرسی نیز ناظر به ادله اثبات دعوی بوده و برخی دیگر نیز ناظر به موارد تأخیر جریان دادرسی است که این موضوعات از بحث ما خارج است. اما مهمترین طواری دادرسی که جریان دادرسی را تحت تأثیر قرار داده و روند آن را مختل می‌کند، طرح دعاوی طاری ضمن رسیدگی به دعوای اصلی می‌باشند؛ از طرف دیگر طواری که باعث توقیف و زوال دادرسی می‌شوند نیز ممکن است در ضمن رسیدگی به دعوای اصلی حادث شود.

دعوای طاری به پنج قسم تقسیم می شوند: دعوای اضافی، دعوای مرتبط، تقابل، ورود ثالث، جلب ثالث، که از این پنج قسم دو دعوای اضافی و تقابل به عنوان طواری ناشی از تغییر در دعوا و قسم دیگر، یعنی دعوای ورود و جلب ثالث به عنوان طواری ناشی از تغییر در اصحاب دعوا، و در دعاوی مرتبط از آن جا که صلاحیت دادگاه ها و ارجاع دعاوی شعب مختلف یک دادگاه موجب می‌گردد تا دعاوی مرتبط در یک شعبه رسیدگی نشده و این موضوع باعث صدور آرا معارض توسط دادگاه ها خواهد شد لذا موادی از قانون آیین دادرسی مدنی به حل این مشکل اختصاص یافته که کافی به نظر نمی رسید از طرف دیگر ممکن است در دعاوی مرتبط نیز این سوال مطرح شود که چه تاثیری بر یکدیگر دارند، که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

طواری توقیفی به دو صورت سبب متوقف شدن جریان دادرسی می‌گردند؛ برخی از این طواری که مرتبط با شخصیت اصحاب دعوی می باشند، سبب انقطاع جریان دادرسی می‌گردند؛ بدین نحو که، با حدوث این طواری جریان دادرسی با تصمیم دادگاه قطع متوقف می‌گردد و پس از رفع مانع توقیف، با تغییری که در اصحاب دعوی به وجود می‌آید جریان دادرسی روند تازه ای به خود گرفته و ادامه می‌یابد. به عنوان مثال، هنگامی که یکی از اصحاب دعوی فوت یا محجور می‌شود و یا این که سمتی که با آن وارد جریان دادرسی شده است، زائل می‌گردد، جریان دادرسی متوقف و پس از معرفی قائم و مقام و یا نماینده شخص حادثه دیده، جریان دادرسی با تغییراتی که در اصحاب دعوی به وجود آمده، ادامه می یابد. حکم کلی این دسته از طواری در ماده ۱۰۵ ق. آ. د. م پیش بینی شده است که مقرر می‌دارد: (هرگاه یکی از اصحاب دعوی فوت نماید یا محجور شود یا سمت یکی از آنان که به موجب آن سمت داخل دادرسی شده زائل گردد، دادگاه رسیدگی را به طور موقت متوقف و مراتب را به طرف دیگر اعلام می‌دارد. . .)

در مقابل دعوای اصلی، دعاوی طاری قرار دارند. در تعریف دعاوی طاری مقنن مطابق ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوای طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشأ باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود.

که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است. » مطابق مواد بعدی قانون آیین دادرسی مدنی دعاوی طاری دارای انواع مختلف است که به ترتیب به توضیح اختصاری آن‌ها می‌پردازیم:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

دعوای ورود ثالث: هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه اینکه رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر در این صورت نام‌برده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در آن خواسته خود را به طور صریح اعلام نماید. دادخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضمائم آن، باید به تعداد اصحاب دعوای اصلی به علاوه یک نسخه باشد و شرایط دادخواست اصلی را دارا خواهد بود.

دعوای جلب ثالث: هریک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم بداند، می‌تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنماید، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر.

دادخواست جلب شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضمائم باید به تعداد اصحاب دعوا به‌علاوه یک نسخه باشد. جریان دادرسی در مورد جلب شخص ثالث، شرایط دادخواست و نیز موارد رد یا ابطال آن همانند دادخواست اصلی خواهد بود.

بند نخست: طرح دعوی ابطال چک به سبب فقدان شرایط

در معاملات با سند عادی فقط امضای سند کافی برای تحقق دین نیست، بلکه تسلیم آن از طرف مدیون به داین یا قائم مقام او لازم است، زیرا برحسب عرف و عادت غالباً مدیون قبل از گرفتن وجه، نوشته را تنظیم و امضاء می کند و پس از گرفتن وجه، آن را به داین می دهد و اگر بعد از امضاء و قبل از اخذ به وسیله خدعه یا سرقت سند به دست داین افتد و این امر محرز گردد، مجرد بودن سند امضاء شده در دست مدعی کافی برای اعتبار و صحت آن نیست و داین مکلف است که تحویل وجه و یا اشتغال ذمه را ثابت کند. (حکم تمیزی ش ۹۰۵ مورخ ۱۳۱۷/۴/۱۰ شعبه اول دیوان عالی کشور)

در این خصوص می‌توان به نکته ای اشاره داشت که دعوای ابطال چک را تنها می توان از طریق دادگاه پیگیری نمود. البته باید در نظر داشت این دعوا زمانی قابل اجرا است که چک ظهرنویسی نشده باشد و یا اینکه در دست افراد مختلف نچرخیده باشد. چرا که زمانی که چک ظهرنویسی خواهد شد اصل استقلال امضاء مانعی بر دعوای ابطال چک می‌باشد.

نکته ای که در اینجا قابل ذکر است اینکه دعوای ابطال چک فقط از طرف صادرکننده و علیه دارنده اول قابل طرح است. در واقع این دعوا در صورتی قابلیت طرح را دارد که چک ظهرنویسی نشده و دست به دست نگشته باشد و روابط بی واسطه باشد. زیرا در موردی که چک ظهرنویسی شده باشد اصل استقلال حال با توجه به اصل استقلال امضاء صادر کننده چک می‌تواند درخواست ابطال چک را بدهد. اما شخصی که ضامن صادر کننده می‌باشد نمی‌تواند با این مسئله استناد کند که صادر کننده در زمان صدور چک شرایط لازم را برای عمل حقوقی نداشته و از این طریق بخواهد مسئولیت را از گردن خویش برهاند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

بند دوم: طرح دعوای استرداد لاشه چک

در خصوص استرداد لاشه چک باید در نظر داشت که نوعی دعوای حقوقی است که دارنده چک می تواند با طرح دادخواستی از جانب وکیل خویش در دادگاه مطرح نماید. دعوای استرداد لاشه چک را از جهتی می‌توان به جرم خیانت در امانت نسبت داد. در دعوای خیانت در امانت وصف امانی بودن چک مطرح می‌باشد و شخصی که مرتکب خیانت در امانت گردیده است باید به صورت کتبی امانی بودن چک را اقرار نماید.

استرداد لاشه چک یک خواسته حقوقی است و می‌بایست در قالب دادخواست به طرفیت دارنده چک توسط وکیل حقوقی مطرح گردد و این امر از جهاتی به جرم خیانت در امانت شباهت دارد لیکن وجه تمایز دادخواست استرداد لاشه چک با جرم خیانت در امانت در این است که در رسیدگی به جرم خیانت در امانت سوء نیت مرتکب نیاز بوده و وصف امانت سپردن مال می‌بایست بوسیله رسید امانی و یا قراردادی در این خصوص به اثبات برسد به عبارتی شخصی که در امانت خیانت نموده می‌بایست کتباً به در اختیار داشتن اموال به رسم امانت اقرار نموده باشد. البته در هیچ جایی از قانون اخذ و ارائه امانت نامه ذکر نگردیده است.

باید درنظر داشت که شخصی که دعوای استرداد لاشه چک را مطرح می‌نماید باید مدارک و مستندات لازم را در دست داشته باشد. چرا که چک سند تجاری تلقی می‌گردد و یکی از اوصاف اسناد تجاری تجریدی بودن آن است. از این رو ارائه دلایل و مستندات کافی از طرح دعوا کننده الزامی به نظر می‌رسد.

البته در ظاهر استرداد لاشه چک دعوایی غیر مالی به نظر می‌رسد اما با صدور حکم استرداد مبلغی که بر روی چک نوشته شده است از دارایی خوانده کسر خواهد شد. از این رو این دعوا را می‌توان از زمره دعاوی مالی قلمداد نمود. و پرداخت ۲/۵ درصد خواسته تا سقف بیست میلیون و مازاد بر آن ۳/۵ درصد ضروری است و مطابق قانون شوراهای حل اختلاف دعاوی زیر مبلغ بیست میلیون تومان در شورای حل اختلاف مطرح و دعاوی بالاتر از آن در دادگاه عمومی و حقوقی طرح خواهد شد.

در خصوص دعوی ر. ل. و م. ل. با وکالت س. ح. و س. ح. به طرفیت س. ک. به خواسته استدعای رسیدگی و صدور حکم بر محکومیت و الزام خواندگان به استرداد یک فقره چک به شماره ۵۶۴/۸۴۶۰۸۸ به انضمام خسارت وارده اعم از؛ هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل، نظر به اینکه صدور چک دایر بر مدیونیت صادر کننده است و خارج از روابط قراردادی طرفین می‌باشد، لذا دادگاه خواسته خواهان را متکی به دلیل ندانسته و مستنداً به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است.

نکته قابل ذکر این است که در خصوص مالی بودن و غیرمالی بودن دعوای استرداد لاشه چک نیز باید در نظر داشت که رویه یکسانی در دادگاه‌ها اعمال نمی‌شود، برخی از قضات شعب دادگاه دعوا را مالی فرض

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

نموده و باید سه و نیم درصد مبلغ چک به عنوان هزینه دادرسی پرداخت شود، اما برخی دیگر از قضات شعب دادگاه دعوای استرداد لاشه چک را غیر مالی در نظر خواهند گرفت. البته باید در نظر داشت که طی بخشنامه آبان ۹۷ خطاب به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی بیان گردید که دعوای استرداد لاشه چک را غیر مالی محسوب نمایند.

گفتار دوم: طرق اعتراض به آراء راجع به چک

طلبکار در صورت عدم پرداخت دین می تواند به دادگاه صالح مراجعه و طلب خود را مطالبه نماید و نیازی به اثبات مراجعه خود به بدهکار ندارد ولی در مورد اسناد تجاری بر خلاف مطالبات عادی، دارنده برای آنکه بتواند از مزایایی که اینگونه اسناد دارند استفاده ببرد می بایست ابتداء به بدهکار مراجعه و در صورت عدم پرداخت آنرا بوسیله اعتراض یا واخواست تسجیل نماید. با این توضیح، اعتراض یا واخواست، نشانگر مراجعه طلبکار و مطالبه طلب و نیز عدم پرداخت دین از سوی بدهکار میباشد. چک نیز از این تشریفات معاف نبوده و در اغلب کشورها برای احراز عدم تأدیه وجه آن یک سلسله تشریفات و تنظیم اسناد مختلف پیش بینی شده است.

در کنوانسیون ژنو به صادر کننده یا هر یک از ظهرنویسان اجازه داده شده تا دارنده را از انجام تشریفات معاف نمایند. اعتراض عدم تادیه در کشورهای انگلیس و آمریکا الزامی است و در برخی کشورها نظیر آلمان و اتریش علاوه بر اعتراض عدم تأدیه، تصدیق بانک، مبنی بر تاریخ رجوع دارنده و عدم تأدیه ضروری می باشد. در حقوق کشورهایی که قید بدون اعتراض را پذیرفته اند اگر قید مزبور توسط صادر کننده در چک درج شود نسبت به خود و تمام ظهرنویسان مؤثر است. در حالیکه اگر یکی از ظهرنویسان این قید را بیافزاید نسبت به ظهرنویسان قبلی و صادر کننده موثر نبوده و نسبت به خود و ظهرنویسان بعدی موثر است. برخی صاحب نظران با انتقاد از این شیوه، وضع هر ظهرنویسی را مستقل از دیگران دانسته و این قید را صرفا نسبت به خود او مؤثر می‌دانند. [۱]

در حقوق کشور ما در مورد این موضوع صرفا ماده ۳۱۴ ق. ت. مقررات برات را به چک تسری داده است. به دلیل عدم ذکر اعتراض در ماده ۳۱۵ ق. ت. و با توجه به قوانین مختلف صدور چک که از گواهینامه عدم پرداخت به جای اعتراض سخن به میان آورده و به منظور تسریع در وصول و ایصال وجه چک برگشتی به دارنده آن برخی بر این عقیده اند که اعتراض عدم تادیه در مورد چک متروک مانده ویا بوسیله قانون صدور چک ضمنا نسخ شده است. [۲]

۱. شیوا رضوی، کاظم، مطالعه تطبیقی گردش چک، بی نا، ۱۳۶۸، ص ۱۱۷

۲. اخلاقی، بهروز، جزوه درسی حقوق تجارت، اسناد تجاری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص ۴۳

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

گواهی عدم پرداخت توسط بانک در واقع واجد آثار واخواست است، بنابراین گواهی عدم پرداخت بجای واخواست برای طرح دعوی دارنده چک علیه ظهرنویس و همچنین برای تأمین خواسته کافی است و رأی هیئت عمومی دیوانعالی کشور مؤید این معنی است. [1]

بند نخست: واخواهی

با توجه به ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقرراتی که در خصوص اعتراض به برات وجود دارد، در خصوص چک نیز اجرا خواهد گردید. از این رو می‌توان به استناد مواد ۲۹۳ و ۲۹۷ همان قانون تشریفات لازم به عمل آید. در چک نیز همانند سفته واخواست عدم تأدیه مورد نظر می باشد. در این خصوص نیز می‌توان به ماده ۴ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ نیز استناد نمود.

باید در نظر داشت که واخواست برات و سفته آنچنان که در ماده ۲۸۰ قانون تجارت پیش بینی شده است در خصوص چک اعمال نخواهد گردید. بنابر این گواهی بانک محال علیه دایر بر عدم تأدیه وجه چک در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شده به منزله واخواست می باشد و رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور که هیأت عمومی حقوقی دیوان عالی کشور هم با آن موافقت دارند صحیح و منطبق با موازین قانونی است». لذا واضح و مبرهن است با صدور رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ گواهی نامه عدم پرداخت جایگزین واخواست شده است. همچنان که فوقا گفتیم طبق رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخه ۶۹/۷/۱۰ در چک گواهی نامه عدم پرداخت جایگزین واخواست نامه شده است و طبق نص صریح رأی وحدت رویه فوق مهلت ده روزه مندرج در ماده ۲۸۰ ق. ت در مورد چک موضوعیت ندارد، لذا مطالبه و اعتراض در چک از تاریخ صدور چک اگر محل صدور و پرداخت یکی باشد ۱۵ روز و اگر محل صدور و پرداخت در دو نقطه ایران باشد ۴۵ روز (ماده ۳۱۵ ق. ت) و اگر محل صدور خارج و محل پرداخت ایران باشد چهار ماه از تاریخ صدور است. [2]

بند دوم: تجدید نظرخواهی

تجدیدنظرخواهی می‌بایست در دفتر خدمات قضایی انجام پذیرد و به موجب آن تجدیدنظرخواه در فرجه و مهلت قانونی اقدام به اعتراض به رای صادره نماید. از تاریخ ابلاغ رای کسی که رای کلاً و یا جزئاً به ضرر او است می تواند اقدام به تجدیدنظرخواهی نماید، البته با این وصف که فقط ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رای مهلت قانونی برای تجدیدنظرخواهی دارد. باید به این مدت زمان، روز ابلاغ و اقدام را اضافه نمود و جمعاً ۲۲ روز فرصت باقی است برای اعتراض به رای و تجدیدنظرخواهی البته توصیه می‌نماییم تجدیدنظرخواهی را به روز های پایانی موکول ننمایید.

---

۱. نوبخت، یوسف، مجموعه نظرات قضات دادگاه های حقوقی دو تهران در مسائل حقوقی، کیهان، ۱۳۶۸، ص ۲۱۴

۲. حسن زاده، حیدر، تحقیقات حقوقی آزاد، مقاله مطالبه، واخواست و اقامه دعوا و آثار آن، ۱۳۹۳، ص ۷

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مبحث **دوم: مصادیق دعوای و اعتراض راجع به اجرائیه مدلول چک**

گفتار نخست: مصادیق دعوی

برابر با مقررات ماده ۱ «آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی» سند لازم الاجرا سند رسمی یا سند عادی است که بدون صدور حکم از دادگاه قابل صدور اجرائیه برای اجراء مدلول سند باشد مانند سند رسمی طلب و چک). همانگونه که ملاحظه می شود قانون گذار برای اسناد رسمی لازم الاجرا و برخی از اسناد عادی که در حکم سند لازم الاجرا تلقی می شوند «چک و قراردادهای بانکی» مزیت اجرای مفاد سند بدون مراجعه به دادگستری و اخذ حکم قطعی را منظور نموده است. در توضیح باید گفت، در صورتی که شما ذی‌نفع یک سند رسمی لازم الاجرا می‌باشید یا ذی نفع سند عادی در حکم سند لازم الاجرا هستید، می‌توانید بدون مراجعه به دادگستری و طی نمودن راه طولانی و مشقت بار اخذ حکم قطعی با مراجعه به دفترخانه تنظیم کننده سند یا ادارات ثبت مربوطه مدلول سند را به طرفیت متعهد آن اجرا نمایید. در واقع، این امتیازی است که قانونگذار برای اسناد لازم الاجرا در نظر گرفته است. در اینجا باید بدانید؛ هر سند رسمی لازم الاجرا محسوب نمی‌شود. برای مثال؛ اسناد رسمی مربوط به مالکیت اموال منقول لازم الاجرا نیست، اما سند رسمی مربوط به معامله املاک دارای سابقه ثبتی در صورتی که متضمن تعهداتی منجز باشد لازم الاجرا محسوب می گردد. همچنین سند نکاحیه در خصوص تعهدات منجز مربوط به مهریه سندی لازم الاجرا بوده و مدلول سند از طریق دفترخانه تنظیم کننده سند و ادارات ثبت مربوطه قابل اجرا می‌باشد.

بند نخست: ابطال اجرائیه به سبب مشروط بودن چک

بر اساس قسمت اخیر ماده ۳ قانون صدور چک «هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد». بنابراین، صرفنظر از مباحث نظری مربوط به چک و مشروط و این که چکی سند تجاری محسوب می شود یا نه، بر اساس قانون صدور چک بانک تکلیفی در خصوص بررسی شرط و تحقق آن ندارد و در صورت بودن موجودی، چک را تماماً یا جزئاً پرداخت خواهد کرد و به شرط مذکور در متن چک ترتیب اثر نخواهد داد. لذا در صورتی که شرطی برای پرداخت چک درج شده باشد، می‌توان درخواست ابطال اجرائیه را مطرح نمود.

بند دوم: ابطال اجرائیه به سبب تضمینی بودن چک

هرگاه چکی که دارنده آن آن را صادر نماید و برای دادگاه محرز گردد که چک صادره تضمینی می‌باشد در این صورت اگر اجرائیه ای در خصوص آن صادر شده باشد، خوانده دعوا می‌تواند با طرح ایراد تضمینی بودن چک از اجرائیه آن جلوگیری به عمل آورد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

بند سوم: ابطال اجرائیه به سبب تحصیل مغرضانه و مجرمانه چک

باید در نظر داشت که چک از طریق مجرمانه تحصیل شده باشد، حکم به استرداد آن صادر می‌گردد و اجرائیه باطل خواهد شد هرچند که چک موصوف در اختیار دارنده با حسن نیت آن باشد.

مطابق ماده ۱۴ قانون صدور چک صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آن‌ها با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید.

گفتار دوم: اعتراض به شرایط اجرائیه

نخستین بار قانون چک بی محل، مصوب آبان ۱۳۳۱ چکهای صادر عهده بانک ملی ایران یا سایر بانکها و موسسات اعتباری مجاز را در حکم اسناد رسمی لازم الاجرا قرار داد. این طریقه را قانونگذار پیش بینی نموده است تا دارنده چک سریعۀ و بدون توسل به مراجع قضایی و طی تشریفات دادرسی به وجه چک دست یابد. ریشه این طریق در حقوق فرانسه می‌باشد. هر چند در حکم اسناد لازم الاجرا شناخته شدن چک ظاهرۀ جزء مزایای این سند محسوب می‌شود ولی چنانکه برخی حقوقدانان اشاره کرده اند این طریق را قانونگذار به منظور اعاده ارزش و اعتبار چک و به جهت ضعف مقررات قانون تجارت و رسیدگی محاکم کشور پیش بینی نموده است. بهتر بود در این راستا، مبانی و اصول حاکم بر اسناد تجاری تقویت می شد تا وضع چک با مقررات فعلی دچار دگرگونی های بنیادی نگردد. [۱]

بند نخست: درخواست عدول از اجرائیه به سبب فقدان شرایط

برای درخواست صدور اجرائیه، چک میبایست دارای شرایط اصلی آن از نظر شکلی باشد چرا که بدون چنین شرایطی اطلاق چک بر آن صحیح نبوده. و صرفا یک سند عادی معرف طلب تلقی می‌گردد. با چنین سندی نمی‌توان درخواست صدور اجرائیه نمود هر چند برخی چک سفید امضاء، مشروط، وعده دار و چکی که برای تضمین انجام معامله داده شده را مانع صدور اجرائیه علیه صادر کننده چک نمی‌دانند. [۲]

متقاضی[۳] باید در خواست صدور اجرائیه را طبق قوانین و آیین نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی که روی فرمهای چاپی مخصوص اجرای ثبت موجود است تنظیم نماید و به مرجع صدور اجرائیه ثبتی که اداره

---

۱. اخلاقی، پیشین، ص ۴۹

۲. ولیدی، محمد صالح، چک پرداخت نشدنی، چاپ دوم، تهران، نشر داد، ۱۳۷۵، ص ۵۸

۳. متقاضی اجرائیه اعم است از کسی که برای اولین بار به بانک مراجعه می کند و کسی که پس از مراجعه به بانک چک به او منتقل شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

ثبت محل اقامت صادر کننده چک بی محل است تسلیم نماید.[1] اقامتگاه صادر کننده آخرین نشانی او نزد بانک محال علیه میباشد. در خواست مزبور باید به ضمیمه فتوکپی مصدق گواهینامه عدم پرداخت و عین چک به دایره اجرای ثبت تقدیم شود هر چند برای جلوگیری از اشکالات ناشی از مفقود شدن اسناد همانند مقررات آیین دادرسی مدنی الصاق رونوشت مصدق چک کافی به نظر می‌رسید. باید در نظر داشت که صدور اجرائیه قابل واخواهی، تجدیدنظر خواهی و اعاده دادرسی نمی‌باشد.

اداره ثبت در صورتی که بانک مطابقت امضاء چک را با نمونه امضای صاحب حساب گواهی کرده باشد، دستور اجراء صادر می کند. اجرائیه ظرف ۴۸ ساعت از تاریخ تقاضا صادر و به مامور اجراء تسلیم میشود و عملیات اجرایی بلافاصله آغاز می‌شود. صادر کننده چک مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اجراییه، ترتیب پرداخت وجه چک را بدهد و یا مالی معرفی کند که بتوان وجه چک را از محل آن تامین کرد. متقاضی اجرائیه برای سهولت در کار می تواند اموال متعلق به صادر کننده چک را به غیر از مستثنیات دین برای توقیف به اجراء معرفی کند. اگر صادر کننده چک خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف ۱۰ روز صورت جامع دارایی خود را به مامور اجرا تسلیم کند و اگر هیچ ندارد، موضوع را صریحا اعلام دارد. در این صورت دارنده چک حق دارد هر وقت مالی از مدیون به دست آمد، طلب خود را از آن مال برداشت کند.

مرور زمان صرفا به اقامه دعوی دارنده نزد مراجع قضایی تعلق می‌گیرد چرا که محل ایراد مرور زمان در دادگاه و طی رسیدگی است لذا در مرحله صدور اجراییه و عملیات اجرایی نمی توان به مرور زمان استناد نمود. نتیجتا چک نیز برای اقدام از این طریق همانند سایر اسناد لازم الاجراء مشمول مرور زمان نمی‌شود. البته لازم به ذکر است که در حکم اسناد لازم الاجراء عنوان نمودن چک در قانون صدور چک صرفا به دلیل آنست که دارنده آن بتواند طبق مقررات مربوط به این اسناد برای وصول حق خود اقدام کند، ولی چک سند رسمی محسوب نگردیده و کلیه آثار اسناد رسمی بر آن بار نمی‌شود.

بند دوم: درخواست اصلاح اجرائیه

در خصوص درخواست اصلاح اجرائیه دو مطلب قابل ذکر است.

۱) در خصوص محکوم علیه: در این خصوص قانون فقط در مورد صادر کننده چک اجرائیه صادر می شود. در خصوص ضامن و ظهر نویس نیز باید در نظر داشت که ضامن و ظهرنویس حق اعتراض و اصلاح دارند و دادگاه تکلیف به عدول از دستور اجراء نسبت به ضامن و ظهرنویس و اصلاح آن را دارد.

۱. قانون ثبت اسناد و املاک مصوب اسفند ۱۳۱۰ با آخرین اصلاحات و الحاقات و آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی از عملیات اجرایی مصوب تیر ۱۳۵۵

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

۲) در خصوص مبلغ اجرائیه: در این خصوص نیز باید در نظر داشت که اگر مبلغ چک از لحاظ کاغذی و حروفی اختلاف داشت طبق قانون تجارت باید مبلغ حروف در آن قید شود یا جاییکه مبلغ در اجراییه باشد طبق قانون اجرای احکام مدنی باید اصلاح شود.

بند سوم: تشریفات دعوای ابطال اجرائیه

در خصوص تشریفات دعوای ابطال اجرائیه باید در نظر داشت که این تشریفات نیازمند دادخواست می‌باشد و هزینه دادرسی بر اساس مبلغ اجرائیه و تقویم آن هم بر اساس مبلغ اجرائیه است. اما درخواست عدول و اصلاح نیاز به دادخواست و هزینه دادرسی ندارد و تشریفاتی نیز نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری:

چک یکی از ابزارهای مهم در اقتصاد کشور است و اغلب معاملات مردم با استفاده از آن انجام میگیرد. در میان بازرگانان، کاربرد چک چنان رایج است که موجب فراموشی سایر اسناد تجاری گشته است. متاسفانه از ابتدای بکارگیری این سند تاکنون اعتبار آن متزلزل بوده و جایگاه اصلی خویش را باز نیافته است. صدور چکهای بلامحل و آمار پرونده‌های مطروحه نزد مراجع قضایی کشور، نشانگر این واقعیت می‌باشد. از همین رو تلاش‌های بسیاری از سوی قوه مقننه بعمل آمده است تا چک، بعنوان یک سند معتبر، در پرداخت‌های نقدی کاربرد یافته و با گردش صحیح آن، از مشکلات کاسته شود. بدیهی است برای نیل به این مقصود، تلاش یک جانبه کافی نبوده و می‌بایست نهادهای مختلف، با هماهنگی در این راستا گام بردارند.

دقت قانونگذار در وضع قوانین مناسب و متقن در مورد چک تأثیر بسزایی در جلوگیری از تورم و رکود در نظام اقتصادی و پیشگیری از وقوع جرایم، بخصوص جرایم مالی دارد. در این زمینه لازم است قوانین مربوط به چک کا مل، صریح و بدون ابهام باشد. برای مثال بر خلاف کنوانسیون ژنو، شرایط شکلی چک و انواع آن یا ظهرنویسی و مقررات مربوط به آن در متون قانونی بسیار ناقص پیش بینی شده است، در صورتی که در دنیای امروز موارد مذکور از اهمیت فوق العاده ای در تقویت اعتبار چک برخوردار است. در حقوق ایران، مسئله تعارض قوانین نظیر اهلیت، قانون محل پرداخت، مهلت واخواست و. . . . طرح نشده و به نظر می رسد با عنایت به نیازهای بازرگانی بین المللی و ضرورت مبادله اسناد تجاری، باید مقررات کاملی در این موضوع تدوین گردد. تعارضات موجود میان قانون تجارت و قانون صدور چک، موجب سلب اعتماد مردم نسبت به این سند مهم و سوء استفاده از آن گردیده است. لذا لازم است در انشای قانون دقت شود تا از خطا و تعارض ممانعت بعمل آید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اخلاقی، بهروز، جزوه درسی حقوق تجارت، اسناد تجاری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
ـ حسن زاده، حیدر، تحقیقات حقوقی آزاد، مقاله مطالبه، واخواست و اقامه دعوا و آثار آن، ۱۳۹۳.
ـ شیوا رضوی، کاظم، مطالعه تطبیقی گردش چک، بی نا، ۱۳۶۸.
ـ نوبخت، یوسف، مجموعه نظرات قضات دادگاه های حقوقی دو تهران در مسائل حقوقی، کیهان، ۱۳۶۸.
ـ ولیدی، محمد صالح، چک پرداخت نشدنی، چاپ دوم، تهران، نشر داد، ۱۳۷۵.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]